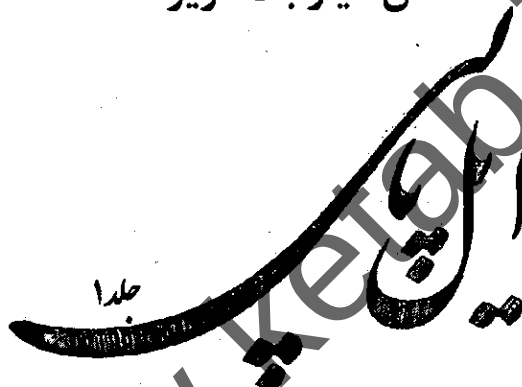


تبار هخامنش دیار بالا گریوه



مراد مسین پاپی بالا گریوه

پایی بالا گریوه، مراد حسین، ۱۳۴۷ -
تبار هخامنش دیار بالا گریوه (ایل پایی) / تألیف مراد حسین پایی بالا گریوه. - قم:
دارالنشر اسلام، ۱۳۸۹.

۹۸۲ ص.

۲ ج. - (تبار هخامنش دیار بالا گریوه : ۴، ۵)

- (ج. ۴) 5 - 005 - 475 - 964 - 978 ISBN:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. بالا گریوه (پایی). ۲. ایلات و عشایر - ایران - لرستان. الف.

عنوان: تبارشناسی بالا گریوه.

۹۵۵/۹۷۹۶

پ ۲ / پ ۲ DSR۷۲

۱۳۸۹



تبار هخامنش، دیار بالا گریوه ۴

(ایل پایی مند)

مرادمسین پایی بالا گریوه

ناشر: انتشارات دارالنشر اسلام

مروف هیل و صفه آرای: کتابفروشی دانش - مهرداد کمال پور

لیتوگرافی: اهلیت

چاپ: ولیعصر (ع)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰ ملد

قیمت دوره ۲ جلدی: ۳۰۰۰۰ تومان

قیمت دوره ۵ جلدی: ۸۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ و هرگونه برداشت از این کتاب با ذکر منبع آزاد است.

سر آغاز

بر نام هدای قلم آفرین

باز می آید به گوشم نغمه‌ی چاوش ایل
خسته می آیم شبی از جاده‌های برف گیر
با صدای ضربه‌ی سم ستوران می رود
زیر تیغ ضربه‌ی ییلاق و قشلاق زمان
«دی بلالی» تازه دارم در گلوی تشنه‌ام
همره اسب و تفنگ زخمی‌ام افکنده‌ام
از میان غربت آبادی خاموش ایل
می‌سازم خویش را در گرمی آغوش ایل
آتش گرمی دوباره در دل خاموش ایل
زخمهای یامستانی حک شده بردوش ایل
خوانده‌ام این نغمه‌ها را سالها در گوش ایل
سرخی خون سیاوش در رگ پر جوش ایل
«کوروش کیانی»

آنچه که با نام ایل پاپی پیش روی خوانندگان است از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۷
چهار بار و هربار با ویرایشی نو چاپ و منتشر گردیده و بطور طبیعی مواردی
تازه و یافته‌هایی قابل اعتنا بدان افزوده شده است. بنابراین هنگامی که کتاب

‡ دیار بالا گریوه ایل پاپی ‡

سه جلدی «تبار هخامنش دیار بالا گریوه» که به ترسیم ایلها و طوایف موسوم به بالا گریوه و از جمله ایل پاپی پرداخته است به همین قلم تألیف و منتشر شد، احساس گردید که ارائه‌ی گزارشی کلی درباره‌ی ایل پاپی در این کتاب کفایت می‌کند و برای آگاهی مطالب تکمیلی در این باب خوانندگان به خواندن کتاب ایل پاپی فراخوانده شدند. ولی خود در واکاوی دوباره‌ی کتاب فراخوانده شده آن را هم از نظر شکلی (کیفیت صفحه‌آرایی، چاپ، صحافی و ...) و هم از نظر ماهوی و معنایی دارای اشکال و کاستیهای فراوان دیدم. بنابراین بر آن شدم تا با یاری حضرت یار هر آنچه در گذشته درباره‌ی ایل پاپی نوشته و منتشر ساخته را فروریخته و بنایی نو که از هر نظر به کمال نزدیک باشد با همان نام (ایل پاپی) و البته تحت عناوین جلد چهارم و پنجم کتاب «تبار هخامنش دیار بالا گریوه» برافرازم. چنانکه اشارت رفت ایل پاپی از جمله ایلهای اتحادیه‌ی ایلی موسوم به بالا گریوه (بالا گرویا) است که در کرانه‌ی غربی رود سزار قرار گرفته، از شمال محدود به شهرهای دورود و ازنا و دشت سیلاخور، از غرب به شهر خرم‌آباد و نیز محدوده‌ی سکونت ایل دیرک وند و از جنوب به شهرهای دزفول و اندیمشک منتهی می‌شود که می‌توان در مجموع آن را بالا گریوه‌ی شرقی نام نهاد. البته امروزه تنها تعداد کمی از مردمان آن در این محدوده زندگی می‌کنند و بسان سایر ایلها و طوایف سکونت در مناطق شهری چون خرم‌آباد، اندیمشک، دورود و ... را برگزیده‌اند و همانند سایر

‡ حیدر بالا گریوه ایل پاپی ‡

ایلها، ساختار ایلیاتی اش کم رنگ شده است.

در یک چشم انداز کلی «پاپی» را چشم‌نواز، دلگشا و نیز دلفریب خواهیم دید چه اینکه همه‌ی گوشه‌های چهره‌ی طبیعی‌اش زیبایی را به میهمانی گوشه‌های چشمان مشتاق می‌آورد و برگ برگ تاریخ و شناسنامه‌اش از پیشینه‌ای مانا و اعتباری درخور حکایت دارد. آثاری تاریخی و باستانی که عددشان فراوان است درد دل با صفا، پر پهنه‌ی روی و البته بر صفحه‌ی روزگاران خویش جای داده و قابلیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی کم‌نظیری در آن پیداست و منابع مهم انسانی‌اش واقعیتی انکارناپذیرند.

نگارنده برای ساختن این بنا که در دو مجلد مشتمل بر سه بخش ۱- نام، نما، پیشینه ۲ و ۳- بررسی طوایف و تیره‌های ایل پاپی؛ تألیف و نگارش یافته، سالیان متمادی راه پژوهش را درنور دیده و قلم تلاش را با دست امید و کوشش مأنوس ساخته، با چند هزار نفر گفتگو کرده، سخن‌ها شنیده و گوش دل را تمام و کمال به خدمت درد دلها و گفته‌های نیکو و واقعی درآورده، به بسیاری از مناطق استان لرستان و استانهای اصفهان، خوزستان، مرکزی، قم، ایلام، کردستان، همدان، قزوین، زنجان، گیلان، مازندران، فارس، چهارمحال بختیاری، تهران و ... در راستای گردآوری مصالح آن سفر کرده و خوشه‌ها و توشه‌ها برچیده است و در این گذر افزون بر تلاش خویش دست یاری یاران و هم‌رهان گرانمایه و ارجمندی که تعدادشان بسیار است و عمرشان زیاد باد را

‡ حیار بالا ۲ ریه ای پای ‡

دردست خود دیده و بر عصای یاری آنان تکیه زده است که پای محبتشان را
بر چشم منت می گذارد و سلامتی جان و تن و آخر به خیری ایشان و خویش
را از خدای خیردهنده می خواهد.

در آخر جا دارد از همسر «خانم زهرا مرادعلی وند» و تک تک خانواده ام به
ویژه مادر و فرزندانم که در این ره با بردباری سختیها را تحمل کرده و کمک
و یاری خویش را دریغ نکرده اند سپاسگزاری نموده و شکر محبت و مساعدت
بجا آورم. چشم به راهم تا خوانندگان گرانقدر کاستیهای این قلم را در این دفتر،
قلمی نموده به نشانی انتشارات دارالنشر اسلام قم، بفرستند تا در چاپهای پسین
اگر خدا بخواهد آن را بیشتر از پیش تزیین نموده و مرمت سازیم.
(ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر) (محت ۲)

۱۳۸۹ بهار ۱۳۸۹ خورشیدی

مراد حسین پای بالا گریوه